

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف* - (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۱ جنوری ۲۰۱۷

اقتصاد رقمی - آینده درخشان بشر یا حباب بازار سهام؟

واژه ترکیبی "اقتصاد دیجیتالی" (رقمی) هر چه بیشتر به گفتن سیاستمداران، کارفرمایان و روزنامه‌نگاران وارد می‌شود. گزارش در مورد وضعیت اقتصاد رقمی در جهان، یکی از گزارشهای اصلی در میان سلسله گزارشهای بانک جهانی پیرامون "توسعه جهانی" در سال ۲۰۱۶ بود. این گزارش زیر عنوان "سود رقمی" انتشار یافت. در مقدمه گزارش به قلم جیم یونگ کیم، رئیس بانک جهانی گفته می‌شود: "ما در دروه انقلاب عظیم اطلاعات - ارتباطات در تاریخ بشر به سر می‌بریم. بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان به اینترنت دسترسی دارد، و هر روز کاربران جدید به شبکه افزوده می‌شوند. در میان ۲۰ درصد از فقیرترین خانواده‌ها تقریباً از هر ۱۰ نفر، ۷ نفر تلفون همراه در اختیار دارد. تعداد خانواده‌های دارای تلفون همراه بسیار بیشتر است از تعداد کسانی که به توالت یا آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند".

موضوع مشترک این گزارشها عبارت است از القاء سه ایده: ۱- بسط گستره اینترنت، ارتباطات سیار و فن‌آوری اطلاعات و کامپیوتر به شالوده ایجاد اقتصاد رقمی تبدیل می‌شود. ۲- اقتصاد رقمی بسیاری از کشورهای جهان در مرحله توسعه سریع قرار دارد. ۳- اقتصاد رقمی باعث تغییرات بنیادی "مثبت" در جهان می‌گردد. گزارش کاملاً خوشبینانه است و می‌خواهد القاء کند، که اقتصاد رقمی حتا فردا می‌تواند دسترسی فقیرترین انسانها را به توالت و آب آشامیدنی سالم ممکن سازد.

در فاصله سالهای ۲۰۰۵ - ۲۰۱۵ تعداد کاربران اینترنت بیش از دو برابر افزایش یافته است: از یک میلیارد نفر به سه میلیارد و دویست میلیون نفر. نویسندگان گزارش بانک جهانی این پدیده را "انقلاب رقمی" نام گذارده‌اند: این بدین معنی است، که شبکه‌ها امروز ارتباط شرکتها، شهروندان و حاکمیت را بیش از پیش تقویت می‌کند. انقلاب رقمی منافع افراد خصوصی را به سرعت تأمین کرده است: برقراری ارتباطها و دریافت اطلاعات را آسان و راحت نموده، محصولات رقمی رایگان پدید آمده، اشکال جدید اوقات فراغت ظاهر شده است. علاوه بر این، به برکت آن، احساس عمیق ارتباط متقابل اجتماعی و اجماع جهانی حاصل شده است".

نویسندگان گزارش تأکید می‌نمایند، که نفع "انقلاب رقمی" ("سودهای رقمی" - هر چه بیشتر)، اگر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از سوی دولت تشویق و مدیریت شود، باز هم محسوس‌تر خواهد بود. پوشش باید ۱۰۰ درصد باشد! نباید هیچ "منطقه سایه" در جهان باقی بماند!

"سودهای رقمی" واقعی همچنین در شرایطی به دست می‌آید، که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نه تنها در سطح معیشتی (رابطه، ارتباط بین مردم)، حتا در سطح اقتصادی به طور هر چه گسترده استفاده شود. بشریت باید با عبور از اقتصاد رایج، به "اقتصاد رقمی" روی آورد.

هر چند از ابداع عبارت "اقتصاد رقمی" بیش ۲۰ سال می‌گذرد (آن را نیکولاس نگروپونته از دانشگاه ماساچوست در سال ۱۹۹۵ ابداع کرد)، اما محتوا و مفهوم آن تاکنون روشن نشده است. گزارش بانک جهانی نیز تعریف دقیقی از آن ارائه نمی‌دهد. اقتصاد رقمی را در شکل کلی خود می‌توان به مثابه آن بخشی از مناسبات اقتصادی تعریف کرد، که به واسطه اینترنت، ارتباطات سیار و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات مشخص می‌شود. فن‌آوری اطلاعات و کامپیوتری معاصر با حذف زنجیره بلند واسطه‌ها و تسریع معاملات و عملیات مختل (خرید و فروش‌ها، وام‌ها، اجاره‌ها، پرداخت‌های مالیاتی، جریمه‌ها، تأدیه‌ها، سایر پرداخت‌ها و محاسبات) مناسبات بین شرکت‌ها، بانک‌ها، دولت‌ها و جامعه را تنظیم می‌کند.

نویسندگان بسیاری از تحلیل‌ها (از جمله نویسندگان گزارش بانک جهانی) بر اساس این تصور از اقتصاد رقمی نتیجه می‌گیرند، که این الگوی اقتصاد "سودهای رقمی" جامعه را به شکل بسیار بالاتر از بازدهی کار، افزایش قابلیت رقابت شرکت‌ها، کاهش هزینه تولید، تضعیف بحران‌ها (به حساب تسریع فروش کالاها و خدمات)، رشد اشتغال (کاهش بی‌کاری)، تحقق بهتر نیازمندی فرد، کاهش فقر و حتا تضعیف (یا محو کامل) قطبی شدن جامعه تأمین می‌کند.

تجارت الکترونیک؛ بانکداری الکترونیک؛ پرداخت الکترونیک؛ آگهی اینترنتی؛ بازی‌های اینترنتی عناصر اصلی اقتصاد رقمی به شمار می‌روند. امروز در اکثریت کشورها (اگر بر مبنای شاخص ارزش گردش‌ها) این شکل اقتصاد رقمی، به ویژه، تجارت الکترونیک بسیار توسعه یافته است. سخن از خرید و فروش کالاها و خدمات از راه دور (سفرارش کالا و خدمات از طریق مغازه‌ها و دفاتر اینترنتی) با استفاده از اینترنت ثابت و سیار در میان است.

کمپانی گروه مشاوران بوستون یکی از معتبرترین کارشناسان در زمینه اقتصاد رقمی شمرده می‌شود. داده‌ها در خصوص سطح توسعه تجارت الکترونیک در برخی کشورها به صورت مقایسه‌ای در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول یک

سطح توسعه تجارت الکترونیک در برخی کشورها در سال ۲۰۱۴

	سهم تجارت الکترونیک در گردش خردفروشی مواد غذایی به درصد	سهم تجارت الکترونیک در گردش خردفروشی به درصد
انگلستان	۴/۴	۱۱/۴
آلمان	۰/۸	۱۰/۲
چین	-	۸/۴
آمریکا	۳	۶/۸

جاپان	۶/۲	-
هالند	-	۳/۶
فرانسه	-	۱/۵
روسیه	۳/۳	۰/۲

منبع: "روسیه آنلاین باید سبقت گرفت، عقب‌ماندن جایز نیست". گروه مشاوران بوستون (۲۰۱۶)

همانطور که معلوم است، تجارت الکترونیک در انگلستان نسبتاً توسعه یافته است. آلمان کمی از آن عقب می‌ماند. سطح بالای توسعه تجارت الکترونیک در چین جالب توجه است. بر اساس اطلاعات همان کمپانی گروه مشاوران بوستون، در سال ۲۰۱۱ گردش تجارت الکترونیک در چین ۱۸ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۴، ۷۷ میلیارد دلار بوده است (رشد، ۴/۳ برابر). برای مقایسه، توسعه تجارت الکترونیکی در کل گردش تجارت خرده‌فروشی در روسیه ۳/۳ درصد برآورد شده است. توسعه تجارت الکترونیکی در زمینه خرده‌فروشی محصولات غذایی به طور مجزا ارزیابی می‌شود. انگلستان، هالند و ایالات متحده آمریکا در این زمینه پیش‌تاز اند. شاخص این نوع تجارت در روسیه بسیار نازل است و ۰/۲ درصد از کل خرده‌فروشی محصولات غذایی را تشکیل می‌دهد.

تجارت الکترونیکی مهم است، اما تنها بخش تشکیل‌دهنده اقتصاد رقمی نیست. بانکداری الکترونیک در برخی کشورها، مثلاً، در کشورهای با رشد بالا، نسبتاً توسعه یافته است. کارشناسان کمپانی گروه مشاوران بوستون سعی کردند میزان توسعه اقتصاد رقمی را با عطف توجه به همه بخش‌ها ارزیابی نمایند. نتایج آن در شاخص‌های مشتمل بر بسیاری از متغیرها ("شاخص کمپانی گروه مشاوران بوستون) بیان شده است. کمپانی گروه مشاوران بوستون ۸۵ کشور مورد بررسی را به ترتیب اهمیت شاخص رتبه‌بندی نموده است. کشورهای گروه پیش‌تاز عبارتند از: ۱- دانمارک؛ ۲- لوکزامبورگ؛ ۳- سویدن؛ ۴- کوریای جنوبی؛ ۵- هالند؛ ۶- ناروی؛ ۷- انگلستان. نام برخی از کشورهای ردیف‌های نسبتاً پائین جدول رتبه‌بندی را ذکر می‌کنیم: چین (در رتبه ۳۵)؛ فدراسیون روسیه (۳۹)؛ ایتالیا (۴۰)؛ یونان (۴۲)؛ هند (۸۰). کشور آفریقایی کامرون در ردیف ۸۵، در آخرین ردیف جدول قرار دارد.

کارشناسان کمپانی گروه مشاوران بوستون همه انواع اقتصادهای رقمی را در ۵ دسته گروه‌بندی می‌کنند. معیار گروه‌بندی آنها عبارت است از: سطح نسبی توسعه معاملات رقمی و درآمد ناخالص داخلی سرانه. گروه پیش‌تازان را کشورهای با درصد بالای عملیات اقتصادی "رقمی" و سطح بالای فن‌آوری مورد استفاده "رقمی‌ها" تشکیل می‌دهد و آنها شش کشور هستند: کوریای جنوبی، دانمارک، انگلستان، سویدن، ناروی و هالند. اکثریت اقتصادهای توسعه‌یافته جهان، مثل آلمان، آمریکا، جاپان و کشورهای اتحادیه اروپا دومین گروه (اساسی) را تشکیل می‌دهند.

گروه سوم شامل کشورهای با سطح بالای رفاه (درآمد ناخالص داخلی سرانه)، اما با نمودار نسبتاً پائین عملیات "رقمی" می‌باشد. کشورهای خاورمیانه، در وهله نخست امارات متحده عربی و عربستان سعودی جزو این گروه شمرده می‌شوند. کارشناسان کمپانی گروه مشاوران بوستون تصریح می‌کنند، که یکسری از کشورهای گروه سوم در معرض توسعه بالای عملیات رقمی قرار گرفته‌اند، آنها می‌توانند در آینده به گروه دوم یا حتی گروه اول ارتقاء یابند. گروه چهارم - "پیش‌تازان در حال ظهور" هستند. در این گروه کشورها سطح توسعه عملیات رقمی بالاتر از سطح توسعه اقتصادی می‌باشد. چین مشخص‌ترین نمونه این کشورهاست.

همه کارشناسان کمپانی گروه مشاوران بوستون این گروه را "عقب‌ماندگان" در زمینه توسعه اقتصاد رقمی تعریف می‌کنند.

شایان ذکر است، که کمپانی گروه مشاوران بوستون فقط سطح توسعه و کاربرد فن‌آوری رقمی در اقتصاد را ارزیابی می‌کند، اما این را تخمین نمی‌زند که این فن‌آوری تا چه حد موجب توسعه اقتصادی می‌شود. مخارج ایجاد و کاربست فن‌آوری رقمی چه میزان از درآمد ناخالص داخلی را می‌تواند کسر نماید؟ یا، حداقل، سهم آن در توسعه اقتصادی اغراق‌آمیز نیست؟

باز هم برگردیم به "سود سهام رقمی" در گزارش بانک جهانی. سهم اقتصاد رقمی در درآمد ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۱۱ فقط ۶ درصد بوده و رکورددار آن هم ایرلند با ۱۲ درصد بود. در ردیف‌های بعدی (درصد درآمد ناخالص ملی)، کشورهای کوریای جنوبی - ۵/ ۹؛ جاپان - ۸/ ۸؛ سوئیس - ۵/ ۷؛ انگلستان - ۵/ ۷؛ آمریکا - ۲/ ۷ قرار داشتند. کشورهای پرتغال، ناروی و اتریش دارای کمترین شاخص رشد در گروه کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بودند. جایگاه اول ایرلند در فهرست را نویسندگان چنین توضیح می‌دهند، که این کشور مطلوب‌ترین نظام مالیاتی برای شرکت‌های فعال در عرصه اقتصاد رقمی ارائه نمود.

با این حال، روش ارزیابی از تأثیرات اقتصادی کلان اقتصاد رقمی بسیار سوال برانگیز است. مبنای محاسبه در عمل شاخص کمپانی‌هایی قرار می‌گیرد، که به توسعه، تولید و تجارت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات مشغول هستند. به دیگر سخن، وزن مخصوص بخش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات محاسبه می‌شود (توسعه و تولید نرم‌افزار و سخت‌افزار برای کامپیوترها، خدمات ارتباطات صوتی، اینترنت و غیره). اما این بخش فقط ابزارهای فنی را که کمپانی‌های سایر بخش‌ها برای عملیات در عرصه تجارت الکترونیک، بانکداری الکترونیک و غیره استفاده می‌کنند، فراهم می‌سازد. روش‌های همه‌جانبه و قابل اطمینان محاسبه ارزش افزوده حاصل از فعالیت همه عوامل شرکت‌کننده در اقتصاد رقمی تا کنون وجود ندارد. نویسندگان گزارش بانک جهانی فقط به صورت گذرا یادآوری می‌کنند، که سهم فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در رشد آهنگ توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته اقتصادی هنوز بسیار پائین است. به باور آنها، سهم همه اقتصاد الکترونیکی در رشد اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته در دوره سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۹ برابر ۳ درصد؛ در دوره سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹، برابر ۱ درصد؛ در دوره سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴، برابر ۱ و ۸ دهم درصد از درآمد ناخالص داخلی آنها بود. به رغم این، آنها اعتراف می‌کنند، که بخش اصلی این سهم برای تأمین رشد سرمایه کمپانی‌های بخش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات صرف می‌شود. تقریباً ۲۰ درصد از مجموع افزایش درآمد ناخالص داخلی که برای اقتصاد رقمی در دوره بیست ساله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ در نظر گرفته شده بود، به واسطه آن بخش‌ها و شرکت‌ها تأمین گردید، که مصرف‌کننده فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بودند. معلوم می‌شود، که بخش اصلی سود حاصل از اقتصاد رقمی نصیب کمپانی‌های فن‌آوری اطلاعات، قبل از همه، کمپانی‌های فن‌آوری اطلاعات امریکائی می‌شود نه جامعه. بر اساس داده‌های بانک جهانی ۸ کمپانی از ۱۴ کمپانی با فن‌آوری بالای جهان در آمریکا قرار دارد. و سهم اقتصاد رقمی در تولید ناخالص داخلی آمریکا ۷ درصد تخمین زده می‌شود، درآمد ناخالص داخلی -افزوده کل سرمایه‌غول‌های بخش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات. البته، به خاطر داریم در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ در بازار اوراق بهادار "NASDAQ" آمریکا هنگام مبادله کاغذهای کمپانی با فن‌آوری بالا به چه حبابی دمیده شد.

آن وقتها در این باره بسیار گفته شد، که "دوره جدید"، دوره فن‌آوری و ارتباطات بالا فرامی‌رسد. درست همان وقت اصطلاح "اقتصاد رقمی" از دیوارهای دانشگاه‌های هاروارد و ماساچوست برای ورود به زندگی روزمره دلالان امریکائی و روزنامه‌نگاران مرتبط با آنها بیرون جهید. این را نیز به خاطر داریم که جامعه شناسان امریکائی لستر

کارل تورو (Lester Carl Turou) ، الوین تافلر (Элвин Тофлер) و دانیل بل (Дэниел Белл) در سال‌های ۶۰-۷۰ قرن بیستم به کاربرد اصطلاح "جامعهٔ پسا صنعتی" و بسط نظرات خود در پناه آن آغاز کردند. اکنون، در تقاطع دو قرن، فکر مجرد و نیمه‌آرمانی "جامعهٔ پسا صنعتی" به طور مشخص در مفهوم "اقتصاد رقمی" تبلور یافته است. قیمت سهام بسیاری از کمپانی‌های فن‌آوری اطلاعات در سال ۲۰۰۰ به نازل‌ترین حد ممکن سقوط کرد. همان وقت بسیاری‌ها "شکم" خود را با همین فن‌آوری بالا "پر کردند". چند سال بعد سوداگران دوباره برای دمیدن در حباب، اما این بار در حباب بازار وام مسکن و اوراق مسکن خیز برداشتند. و آن به بحران مالی سنگین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ ختم شد. بگمانم، امروز ما با دور جدید دل‌بازی‌هایی مواجهیم، که شرکت‌کنندگان آن تصمیم گرفته‌اند گستاخانه با کارت‌های فراموش‌شدهٔ اقتصاد رقمی بازی کنند.

*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی روسیه
به نام "سرگنی فیودوروویچ شاراپوف"

<http://www.fondsk.ru/news/2017/01/08/cifrovaja-ekonomika-svetloe-budushee-chelovechestva-ili-birzhevoj-puzyr-43346.html>

۱ بهمن - دلو ۱۳۹۵